

ای از ازل به ماتم تو در بسیط خاک

کیسوی شام باز و کرنیان صبح چاک

سختی خوشن

مقدمه: علامه محمدرضا یحیی

گردآورنده: ذبیح‌الله صاحبکار



الحياة

انتشارات علمی-فرهنگی

شفق خونین

نوبت چاپ: اول (۱۳۸۱)

شمارگان: ۱۰۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۱-۶۰۰-۶

تلفن: ۰۲۱-۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۱-۶۰۰-۶

نشانی: تهران، شمیران، مینی، خیابان شهید محلاتی، میدان امام علی (ع)، مجتمع تجاری
لاله ها، شماره ۷۵. تلفن: ۰۲۱-۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۱-۶۰۰-۶ - ۰۹۱۲۱۲۱۵۵۱۶

www.ketab.ir

سرشناسه: صاحبکار، ذبیح الله، ۱۳۱۴ - ۱۳۸۱ گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: شفق خونین / گردآورنده ذبیح الله صاحبکار؛ علامه محمدرضا حکیمی.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات علمی-فرهنگی، ۱۳۸۱.
مشخصات ظاهری: ۲۷۲ص: ۱۴×۲۱ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۱-۶۰۰-۶: ۱۰۰۰۰ تومان
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ق -- شعر -- مجموعه ها
موضوع: شعر فارسی -- مجموعه ها
موضوع: عاشورا -- شعر -- مجموعه ها
شناسه افزوده: حکیمی، محمدرضا، ۱۳۲۰-
رده بندی کنگره: ۲۱۳۹۲ص ۲/ PIR۴۱۹۱
رده بندی دیویی: ۸۱۶۱/۶۲۰۸۳۱
شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۳۳۳۰۱

مراکز پخش:

۱- تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، بلاک ۳۲، فروشگاه دلیل ما، تلفن: ۶۶۴۴۴۱۴۱

۲- قم، انتهای خ صفائییه، بعد از کوچه ۳۹، پ ۷۵۹، طبقه ۲، فروشگاه دلیل ما، تلفن: ۷۷۳۷۰۰۱

۳- مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن: ۲۳۲۷۱۱۳-۵

تقدیم به:

استان جاودانه و خونین کربلا

حضرت زینب کبری

سلام الله علیها

www.ketab.ir

فهرست

۱۱	مقدمه
۲۱	صفائی جسمانی
۳۵	یغمای جندقی
۴۱	وصال شیرازی
۴۹	صحبت لاری
۵۷	نیرتبریزی
۶۹	بصیر اصفهانی
۷۵	ملک الشعراى صبوری
۸۵	فؤاد کرمانی
۹۳	جیحون یزدی
۱۰۰	میرزا یحیی مدّرس اصفهانی
۱۰۶	مشکات کاشمری
۱۰۹	لاهوّتی کرمانشاهی
۱۱۳	محقّق کربلایی

۱۱۵	آیتی بیرجندی
۱۱۷	محمودخان ملک الشعرا
۱۲۵	محمّد علیخان روشن
۱۲۷	آسان اصفهانی
۱۳۱	وفا
۱۳۳	دره النج نیشابوری
۱۳۵	مهندس ...
۱۳۷	وحشی بافقی
۱۳۹	خسروی تربتی
۱۴۱	صباحی کاشانی
۱۴۷	حسان (حبیب چایچیان)
۱۵۱	ادیب الممالک فراهانی
۱۵۵	شهاب تربتی (شیخ عبدالسلام)
۱۵۹	عبدالحسین شریفی
۱۶۱	ناصرالدین شاه
۱۶۳	ذوقی
۱۶۵	سرگرد عبدالعلی نگارنده
۱۶۹	مقبل
۱۷۱	دکتر قاسم رسا
۱۷۵	قدسی طوسی
۱۷۷	خوشدل تهرانی

۱۷۹	رحیم سرویہا
۱۸۳	غمگین
۱۸۷	کمال (احمد کمالپور خراسانی)
۱۸۹	تا (علی باقرزادہ)
۱۹۱	شریف الواعظین
۱۹۳	ولت مئی
۱۹۷	م. م. شک
۲۰۳	م. آرم
۲۰۹	مثنوی ہا
۲۱۱	وصال
۲۱۵	تقی خان ملک الشعرا
۲۱۹	شہاب تربتی
۲۲۵	مسرور
۲۲۹	اقبال پاکستانی
۲۳۳	نیر تبریزی
۲۴۳	صفی علیشاہ
۲۵۳	عُمان سامانی
۲۶۱	صادق سرمد
۲۶۷	سُہی (مؤلف)
۲۶۹	محمّد رضا حکیمی

مقدمه

کار شاعران را می‌تواند بر آفرینش ادبیات بیدارگر تشیع، بر شالوده نهضت‌های عصیان‌آمیز، بر شیعه بود که برای فروغ‌های زندگی و بزرگداشت انسانیت‌های فکر و اجتماع برمی‌آشفتنند، و شورش‌های راستین به پا می‌کردند، تا انسان را به یاد که همه جا باید میان جهش و نور و آفتاب زندگی کنند نه در سبیل و سیاهی و سکوت. و این همان فیاضی بود که ادبیاتی انقلابی بوجود آورد. آن همه ثنا و مرثیه برای امامان بدان رو سرودند که مشعل راه پرورش‌های زندگی ساز باشد.

شاعران شیعه را از دورترین روزگاران که می‌بینیم از ترویج آزادی و نشر پدیده‌های حریت طلبی بپا می‌ایستادند، و همراهان سیدها و مرثیه‌های آل علی مرامنامه اساسی تشیع را به جامعه‌ها می‌آوردند.

و پر روشن است که منقبت بزرگان گفتن، اطاله کلام در اوصاف جسمانی نیست، بلکه باید خوی‌های تربیت کننده آنان را به زبان لطیف شعر و ادب بیان کرد تا روح مردم را به بلندترین قله‌های

عظمت انسانی صعود دهد. چنانکه مرثیه سرایی برای آنان، همان نیست که بر مرگی که با آغوش باز به استقبالش شتافته‌اند سوگوار باشیم و فقط آلام جسمانی‌شان را همی باز گوئیم.

فدائیان راه معنویت‌ها که برای استوار ماندن پایه‌های دین خدا و به پای بودن انسانیت‌های پرژرفا، دست از هستی خود می‌شویند از رگ و پیروا دارند؛ مرگ در راه هدف برای آزادی خواهان بزرگ، جرأت پایداری افکارشان، چیزی نیست. و در مورد این‌گونه چهره‌ها تنها باید و نباید توان بر مرگ‌شان گریست بلکه باید بر مرگ هدف‌شان گریست.

روی همین اصل و تربیت انحراف نیافته‌ای که شیعیان در قدیم داشتند، به وسیله عالم و سایر مجاهدت‌های تندرنگ و حادثه‌های آتشناک تاریخ تسلیع به دیده جد می‌نگریستند، و شاعران‌شان هم می‌کوشیدند تا این طرز فکر درست منعکس کنند، که پیوسته گفتارشان پهن می‌شد و بر زبان‌های افتاد. و خصوصاً درباره سالار شهیدان حسین «ع»، سعی می‌کردند این بود که روشنگر هدف وی و مبانی تربیتی مکتب عاشورا باشند.

گفته‌اند: «خویشاوندی هنر و حکمت، سبب افتخار هر و است. افتخار حکمت تا برای زیبایی، اصول محکمی وضع کند، و سبب افتخار هنر تا تصورات عالی خود را بر حقیقت استوار سازد.» سرایندگان شیعه نیز، حقایق آموزشی و انگیزه‌های جنبش‌های اجتماعی را با ادبیات و هنر می‌آمیختند و اشعار خود را به سان برنامه‌های آموزنده در

سراسر اجتماع نشر می دادند و واقعی ترین افتخار شعر و هنر را کسب می کردند. چنان که تا کنون هم در پاره زیادی از اشعار شیعه، این حقیقت ها می تابند.

پس سرایندگان بزرگ و هنرمندان چیره دست، باید از گسترانیدن موضوعات مذهبی بوسیله آثار هنری خود سر باز نزنند، و از راهی که روح مردم پیوست دارد به بیدار کردن اجتماعات کمک کنند، و از سبک هایی که برای بیان احساسات پیر دامنه، کشش دارتر است، در راه تحقیق و اکتشاف، پاک به کوشش برخیزند. یک شاعر مرثیه سرا در صورتی که بتواند کلان بود را درک کند و به مواد اصولی آن توجه داشته باشد، توانا تر از مردم روح انقلاب و محبوب ترین رهبری است که ملت را بسوی عدالت ها و آزادی پیش می راند و با عملی توأم با معنویت مذهبی، جوش و خروش و افتاب و زندگی می آفریند. و از اوقات و زمینه های مناسب، و هوشمندی که روح مردم از نهاد در خروش است به بهترین صورت استفاده می کند چنان که می بینیم مراسم یک شب عاشورا که در جامع الازهر مصر برگزار می گردد، موجب تألیف کتاب ژرف «سُمُوالمعنی فی سُمُوالذات»، می شود.

البته عاشورا در میان ملت ها به ویژه مسلمین سراسر جهان است که به ابدیت پیوسته و همواره خاطراتش تجدید می گردد. اما به عقیده

۱. تألیف: استاد عبد الله علایی. این کتاب به نام «همت بلند» به وسیله آقای شیخ محمدباقر خمینی، به پارسی گردانده شده است: استاد علایی دو کتاب دیگر درباره حضرت امام حسین «ع» به نام: «حیة الحسین» و «تاریخ الحسین» نوشته، و دومی به نام: «تاریخ زندگانی حسین بن علی»، بوسیله آقای کمره ای به پارسی ترجمه شده است.



نگارنده این سطرها، یک عاشورا اگر آنطور که می‌بایست و ائمه طاهرین نظر داشته‌اند برگزار گردد، بس است که سرنوشت ملت‌هایی را عوض کند؛ حساب کنید! بر ملتی هر سال عاشورا می‌گذرد و خود مراسم آن را ادا می‌کند ولیکن کم‌ترین نتیجه‌ای از رستاخیز خود نمی‌گیرد، و این‌سان ... و گاهی از تظاهرات دامنه دار مردم در روزهایی امثال عاشورا و استفاده‌هایی عظیم نیز می‌شود، در اینجاست که عاشورا در خاک می‌گردد و باید عاشورایی باز برای عاشورا گرفت. این‌ها همه دریغ و دواهاست که هست. چنان‌که مایه افسوس است که گروهی از تاجران و اشراف از این فلسفه مهم غفلت کرده و به ساختن مرثیه‌های ساده پرداخته‌اند، و به جای آنکه سوز فکر و شور اصلاح و گداخت عمیق نه تنها در شعر خود جای دهند، و مخصوصاً جامعه‌های شیعه مذهب را با تاجران دادن به هدف شهدای آل علی، علیه ناروایی‌ها به پا دارند، به سبب این تنها مرثیه بر شهادت بدن امام اکتفا کردند، و در نتیجه به سوگواریات فکر امام که عمده بود ننشستند!...

حالا اگر مبلغانی که خود را دانشمند و مدینه دانند و مستقیماً از حوزه‌های علمی برخاسته‌اند (با دیگران هیچ ارتباطی ندارند) در این انحراف که در حقیقت انحراف از معنی واقعی شیعه است؛ و در این خمودگی که در لسان بزرگان تشیع، نوعی بی‌تعهدی خوانده شده است، بنگرند و باز نیازشوند و حرفی که از آن بوی زنی و جهش استشمام شود نزنند؛ در برابر امام حسین چه جواب می‌دهند؟ نمی‌دانم، چنان‌که نمی‌دانم که اکنون این مسئولیت بار گردن

کیست که حتی در سرزمین‌های شیعه نشین باید جوانان پیر حرارت به انحراف ملی دچار گردند، و سیستم‌های اجتماعی دیگران را مایه نجات بدانند؟ آیا در تعلیمات تشیع این قدر مایه نیست که روح طبقه جوان را قانع کند؟ آیا این مذهب خون‌آلود که همواره آزادی‌خواهان را تربیت کرده، ضامن به نتیجه رساندن افکار احرار و آزادگان نیست؟ آیا این همان مکتبی نیست که مظلوم را هم اگر تن به ظلم داده باشد در چون ظالم مسئول میدانند؟ آیا ما به اندازه آن شاعر مسیحی که در یکی مضمون می‌گوید: چطور در اجتماعی هم نهج البلاغه هست و هم ظلم، مکتب شیعه را شناخته یا شناسانده‌ایم؟!

باری اینها انگیزه‌هایی بود که توانست ادبیات جاندار و مذهب شیعه را بیافریند، و به‌طریقۀ مکتبی یکی از بخش‌های مهم این ادبیات غنی و خشم‌آفرین در دسترس عاشرانست که با شور و حال و سوز و گدازی تمام، به زیبایی مختار سروده شده است.

در ادبیات دلکش ما نیز از دیرباز شاعران توانمند و مناقب‌پرگویی و مرثیه‌های سوزناک پرداخته‌اند، و پارسیانی که گفتۀ جبران خلیل جبران بهتر توانستند (علی) را بشناسند در کار هنری بی‌عیان و آلوده‌ای را با جوش و خروشی بی‌کران نشان دادند. چون بر برخی از تیره رایان ژاژخای و نویسندۀ‌های تحریک شده، استاد بهار (در باب شناسی جلد ۲) و مؤلفان تواریخ ادبیات و سایر مطلعان و متخصصان رشته تاریخ ادیان، تصریح کرده‌اند که تشیع توأم با اسلام در ایران

وارد شده و نواغ و متفکران و فیلسوفان و مصلحان و دانشمندان و هنروران و زمامدارانی بزرگ پرورش داده است. و از همان روزگارها شاعران نامبرداری مانند: رودکی، کسائی مروزی، فردوسی، سنائی، ناصر خسرو علوی، اسدی طوسی، قوامی رازی، و ... داشته است، و بعدها دایره آثار ادبی مذهبی بسیار بسیار توسعه یافته و شاعرانی که پیش از آن وقت خود را در راه نشر حقایق دین و فضیلت به کار برده‌اند فرمان بهور کرده‌اند.

و سپس ورود اشعار مذهبی به ویژه مرثیه به پادشاهی عظیم^{۱۱} نویسنده شده است، گروه وسیعی بدان پرداخته و اشعاری

۱. نظر به هدفهای برپا کردن آن بوده، جس رولیسونی که ندادن تن به زیر بار ظلم و ستم باشد - و در نزد حمای سیاسی و رفیق‌ترین شعار و نیکوترین سعادت و صفات ممدوحه هر انسانی است - در این عدم مصلحت عزا داری حسین پیدا شده و تا وقتی که این عمل را ملکه خود داشته باشند کسی و زیردستی را قبول نتوانند کرد. قدری باید باریک شد که در مجالس حسین که منعقد می‌شود به نکات دقیق حیات بخش به یکدیگر می‌شنوایند، چند نوبت که ذکر مصایب حسین می‌شود استامبول با مترجم مخصوص رفته شنیدیم می‌گویند: حسین که امام و پیشوا بود و اولاد و پیرویش بر ما واجب است زیر بار زیردستی بیزد نرفت و برای حفظ شرف و بزرگی مقام خود، مال داد، جان داد، اولاد داد، عیال داد، و در عوض نام نیک در دنیا، و نجات در آخرت، و تقرب در درگاه خداوند جست، بعد از آن دیده و دانستم که این واقع علناً به یکدیگر تعلیم می‌دهند که اگر پیروی از حسین دارید، اگر شرف دارید، اگر بزرگواری دارید و جوئی و جنبه افتخار دارید شما هم نباید زیردستی از یزیدان نوعی اختیار کرده به ظلم بکشید و حیات به ذلت را بر مرگ به عزت ترجیح دهید، تا در دنیا و آخرت خود را نام برستگار گردید، مسلم است قومی که از مهد تا لحد این‌گونه تعلیمات داده شود در پی جلال و عظیمة و سجایای عالیه تواند گردید و دارای همه گونه سعادت و شرافت خواهد بود. همه سرباز حقیقی عزت قومی و افتخار نوعی خود خواهند بود. این است تعلیم حقوق شناسی، این است تعلیم دیپلماتی ...»

از کتاب «سیاست حسین» گفتار مسیو ماریبن آلمانی و دکتر جوزف فرانسوی، ترجمه میرزا فضلعلی تبریزی، ص ۳۷ چاپ تهران. ←

گونگون - که گاهی سست و ناصحیح و گاهی توهین آمیز شده است - سروده‌اند؟

چنان‌که در پاره‌ای موارد کاملاً با مقاتل صحیح مخالف است و بی‌جهت به این عنوان که زبان حال است قابل اغماض نیست. و جای تأسف بسیار است که برخی از شاعران مذهبی با این‌که دارای طبع و ذوق و روح و روان هستند به تحصیل مبادی لازم نپرداخته و برای تقویت طبع و تنذیب اشعار خود نکوشیده و به نصیحت نظامی عروضی و کمالی اکتفا کرده‌اند. و نیز بر استادان سخن آثار خود را عرضه نکرده، و همان‌طور که سروده‌های خود را پراکنده‌اند، نتیجتاً آثار ارج دار و بی‌ارج اختلاط یافته و ابزاری غیر قابل تحمل در برخی از اشعار مذهبی راه پیدا کرده است. از این روی لازم شده که از مجموعه آنها انتخاب‌هایی به دست اهل فقه و علم آید، که اینک از جمله آقای ذبیح الله صاحبکار بدان توفیق یافته و با تنگ پیگیر خود میان مجامع ادبی و دواوین بیش از ۱۵۰ شاعر توانست این رساله را فراهم آورد. و در ضمن انجام این خدمت توان ذوق خود را به خوبی نشان دهد، چه جلوه‌گاه اصلی ذوق، شعرشناسی است نه شعر سرایی، چنانچه می‌بینیم اقلیتی از شاعران شعر شناسند با اینکه اکثریت

«سخن ماربین صد در صد درست است ولی باید کوشید که درک و فهم را منحرف نکنند و در روزگار ما که این انحراف بگونه پر وحشتی وقوع یافته باید امیدواریم و با استمداد از نیروی جوشنده حق برای رفع این انحراف کوشید و لو اندک اندک با اینکه به تعبیر آقای دکتر اسلامی ندوشن: «و لولئه خاموش جرمنهای روینده و سبز شونده را در شکم کنده‌های پیر و در نهاد شاخه‌های خشک» پس از دریافتن، به عالم فعلیت قطعی برسانیم. و جامعه‌ای در آتش سوخته را ققنس وار برانیدگی در مرگ و شکفتن در درد به یاد داریم. سفارش می‌کنم که جوانان کتاب ایشان را بخوانند: «ایران را از یاد نبریم»



شعرشناسان شاعرند، و روی همین اصل که کارگزیدن شعر نسبت به کار سرودن آن اهمیت بیشتری دارد از قدیم ادیبان، درباره شاعر سترک و وزنۀ گران ادبیات عرب ابو تمام طائی که شعرش در سطح بهترین اشعار عرب جای دارد گفته‌اند، شاعریت ابو تمام در انتخاب «دیوان حماسه» بیشتر هویدا شده است.

یکی از عجبکار هم در این گلچین، آن سان که امید بود توفیق یافته‌است. بهری از منتخباتی را که دیگران در این رشته تهیه کرده‌اند این شعرگزرا ندیده و چنین دیده‌ام که در آن‌ها نظر ادبی فنی که باید اصول انتخاب قرار داده شود هیچ ملحوظ نبوده است، لذا این انتخاب را بسی سست و آرزو کردم که این رساله چراغ راه دیگران گردد، و سبب شود که کسانی که اشعار مذهبی را به انواع گوناگون در دسترس قرار می‌دهند، انتخاب و نقد آنها فراوان دقت کنند و هم مرثیه سرایان بکوشند تا سطح شعر خود را بالا برند و پس از نیرو بخشیدن به طبع خود و رعایت نظر انتقادی، آثار خود را بپراکنند، این چه معنی دارد که اگر اثری مذهبی بود از سطح ارجیاب نباشد؟ آیا این بزرگ‌ترین کوتاهی نیست که گروهی آن را اندیشه یا ندانسته روا داشته‌اند، با اینکه عده‌ای از شاعران دینی برای حفظ حدود امور وابسته به مذهب، بیشتر می‌کوشیده‌اند و معروف است که «گفت اسدی» شاعر فحل و بزرگوار عرب و سراینده آزادی طلب شیعه هفتاد و سه که قصاید جاوید خود (هاشمیات) را که به تصدیق سخن شناسان از محکم‌ترین اشعار عرب است ساخت، ابتدا بر فرزدوق خواند و چون او پسندید و به انتشارش ترغیب کرد آنها را نشر داد (الغدیر، ج ۲)

و معلوم است که میان شاعران مذهبی از گذشته و معاصر، گروه بزرگی یافت می‌شوند که از مفاخرند و چون ناهید فروزان بر سپهر ادب می‌تابند، و آروزست که همگان خود را بدان اوج‌ها برسانند، به هر حال آقای صاحبکار در انتخاب این رساله، حسن سلیقه و شعر شناسی و بلند پایگی ذوق خود را نیز به ظهور رسانده است. و اگرچه این انتخاب در پاره‌ای جاها به اصطلاح بیرحمانه بوده است و گاهی شامل برخی از قطعه‌ها یا بندها را چنان تکان داده که یکی دو بیت بیشتر بر سر نهاده است، ولی آن ابتدالی که نصیب خیلی از آثار رثایی شده است مستقام این واکنش خواهد بود، و این‌گونه انتخاب خود موجب تهذیب از آثار خال و گشت.

پس باید از این اثر بسیار سپاس کرد، اثری ارزشمند و زبده که شاعری خوش قریحه میان دلیلی استوار و با تیزی فنی و رعایت احتیاط‌های ادبی یک یک ایام آن را از میان انبوهی شعر بیرون کشیده است، در حالی که نه گمان می‌کرد که باید هر طور شده کتابی گردآورد، و نه نظر داشته که از آن سودی برد.

البته هنوز مقدار زیادی اشعار ادبی در سوک و بی‌وجود دارد؛ برخی میان دیوان‌های خطی و چاپی دیگر و برخی در محظوظات بزرگان اهل منبر که در محافل از آنان می‌شنویم، و امید است جامع این رساله باز توفیق یابد و از آن‌ها نیز مجموعه‌ای چنین زیبا فراهم کند و دامنه شفق خونینش را تا آنجاها امتداد دهد. چنان‌که امید است از اشعاری که در آن‌ها به هدف اصلی نهضت‌های آزادگان توجه

شده و می‌تواند بهتر از هر چیز جامعه ساز باشد و «خراب آباد شهری
تپش» را به دیار نور و آفتاب و جهش و قیام تبدیل کند، نیز رساله‌هایی
گرد آید. و این فکر که اکنون در گروهی از شاعران مذهبی اصالت و
اهمیت خود را به ثبوت رسانده، همواره افزون و اصولی تر گردد. و
«شعر نو» نیز دین مسلم خود را بدین حقایق فروغ گرفته ادا کند.

راست‌گفت این رساله توجه داریم که از بعضی شاعران مرثیه سرا
که تا پیش از معروف بوده و حتی بر در و دیوار حسینیه ها از قدیم
نوشته اند ریشی نشده، روی همان شهرت شعر. چنان‌که در مورد
شاعرانی که در اینجا آمده، هیچ‌گونه ترتیبی لحاظ نگشته و
تقریباً همان نسبت مؤلف به چاپ سپرده شده است.

حالا باید از مدیر معرزم کتاب فنی «باستان» که نشر این رساله
را به عهده گرفته اند تشکر کرد، عزونی توفیق ایشان را در این راه‌ها
خواست. همانطور که باید یقین داشت به این‌گونه خدمت‌ها مورد
توجه اولیای خدا خواهد بود. و پاداشی جزیل نصیب انجام
دهندگان خواهد گشت.

مدرسای خرمی
خرداد، ۱۳۰۰ هجری